

رابطه‌ی موسیقی با اراده و عزم

نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین سعید حصارى

تدوین: AbbasDavudi.ir

مقدمه:

در این مقاله بنا نداریم تا به جزییات حلال یا حرام بودن موسیقی بپردازیم، یا احکام آن را به‌طور مصداقی و دقیق مطرح نموده و فتاوی‌ای علما را در این خصوص بیان کنیم. بلکه هدف ما این است که یک نمای کلی از حقیقت موسیقی ارائه کرده و به‌طور کلی بررسی نماییم که موسیقی چه آثاری بر روح و روان انسان و جامعه دارد.

از این‌رو در بحث بیان آیات و روایات به جهت رعایت اختصار در هر بخش به چند نمونه بسنده کردیم زیرا گفته‌اند که: «در خانه اگر کس است یک حرف بس است.»

تغنیات و عزم

عالم کامل و عارف واصل حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در کتاب ارزشمند «چهل حدیث» اولین مرحله جهاد با نفس را «تفکر» و مرحله بعد را «عزم» ذکر کرده و فرموده است: «بعضی از مشایخ ما، اطفال‌الله عمره، می‌فرمودند که «عزم» جوهره‌ی انسانیت و میزان امتیاز انسان است، و تفاوت درجات انسان به تفاوت درجات عزم او است.»^۱ و در تعریف عزم نیز بیان داشته‌اند:

«عزمی که مناسب با این مقام است عبارت است از بناگذاری و تصمیم بر ترک معاصی، و فعل واجبات، و جبران آن‌چه از او فوت شده در ایام حیات، و بالاخره عزم بر این‌که ظاهر و صورت خود را انسان عقلی و شرعی نماید که شرع و عقل به حسب ظاهر حکم کنند که این شخص انسان است. و انسان شرعی عبارت از آن است که موافق مطلوبات شرع رفتار کند، و ظاهرش ظاهر رسول اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد، و تأسی به آن بزرگوار بکند در جمیع حرکات و سکنات و در تمام افعال و تروک. و این امری است بس ممکن، زیرا که ظاهر را مثل آن سرور کردن امری است مقدور هر یک از بندگان خدا.»^۲

سپس در خصوص کسب عزم و موانع آن فرموده‌اند:

«ای عزیز، بکوش تا صاحب "عزم" و دارای اراده شوی، که خدای نخواستہ اگر بی‌عزم از این دنیا هجرت کنی، انسان صوری بی‌مغزی هستی که در آن عالم به صورت انسان محشور نشوی، زیرا که آن عالم محل کشف باطن و ظهور سریره است و جرئت بر معاصی کم‌کم انسان را بی‌عزم می‌کند، و این جوهر شریف را از انسان می‌رباید. استاد معظم ما، دام ظلّه، می‌فرمودند بیشتر از هر چه گوش کردن به تغنیات سلب اراده و عزم از انسان می‌کند.»^۱

در این‌جا حضرت امام رحمت‌الله‌علیه یا استاد ایشان مشخص نکرده‌اند که این تغنیات (موسیقی و غنا) که مانع عزم است، شکل حرام آن است یا غیر آن، بلکه مطلب کلی است و تمام اشکال تغنیات را در می‌گیرد.

گناهی کبیره

شهید محراب، آیت‌الله دستغیب در کتاب "گناهان کبیره" چنین فرموده‌اند:

«پانزدهم از گناهایی که به کبیره بودنش تصریح شده، سرگرمی به آلات موسیقی و نواختن انواع سازها مانند تارها^۲ و کمانچه^۳ و پیانو^۴ و طنبور^۵ و نظائر آن یا گوش دادن به آنهاست. چنان‌چه در روایت فضل بن شاذان از حضرت رضا علیه‌السلام در ضمن شماره‌ی کبائر می‌فرماید: «و الاشتغال بالملاهی»^۶ (سرگرمی با آلات موسیقی).

و به اتفاق جمیع فقهاء ساختن و خرید و فروش آلات لهو و معامله‌اش باطل است و مانند آلات قمار، نگهداریش حرام و از بین بردنش واجب است.»^۷

۱. اربعین حدیث ص ۷.

۲. تار، یکی از آلات موسیقی است که دارای سیم و پرده و دسته‌ای دراز و کاسه می‌باشد و از چوب درخت توت ساخته می‌شود.

۳. از آلات موسیقی است دارای سه یا چهار سیم و کاسه‌ای کوچک‌تر از کاسه‌ی تار و پوستی که روی آن کشیده شده است.

۴. از آلات موسیقی است شبیه میز و دارای پرده‌های استخوانی که به تارهای بسیار اتصال دارد و با فشار انگشت دست بر روی پرده‌ها نواخته می‌شود.

۵. از آلات موسیقی که دارای دسته‌ای دراز و کاسه‌ای کوچک شبیه سه‌تار می‌باشد.

۶. عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۱۲۷

۷. گناهان کبیره، ج ۱ ص ۲۸۴

موسیقی در آیات

خداوند خطاب به شیطان می‌فرماید:

« وَ اسْتَفْزِرْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ -

هر کس از آن‌ها را که می‌توانی با صدای خودت تحریک کن. » (اسراء/ ۶۴)

"مجاهد" شاگرد "ابن عباس" صحابی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و از اولین

مفسرین قرآن می‌گوید: «مراد از صدای شیطان در این آیه، آواز خوانی و موسیقی می‌باشد.»^۱

و مفسر کبیر علامه طباطبایی در ذیل آیه:

« وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ -

و از مردم کسانی هستند که می‌خرند لهو الحدیث را تا بدون علم از راه خدا گمراه کنند و

آیات الهی را مسخره می‌کنند. برای آن‌ها عذابی است خوارکننده. » (لقمان/ ۶)

فرموده‌اند: «کلمه‌ی لهو به معنای هر چیزی است که آدمی را از مهمش باز بدارد و

لهو الحدیث آن سخنی است که آدمی را از حق منحرف نموده و به خود مشغول سازد. مانند

حکایات خرافی و داستان‌هایی که آدمی را به فساد و فجور می‌کشاند و یا از قبیل سرگرمی به

شعر و موسیقی و مزار و سایر آلات لهو که همه‌ی این‌ها مصادیق لهو الحدیث هستند.»^۲

و در روایتی "لغو" در آیه زیر - که صفات مؤمنین را بیان نموده است - به آواز و موسیقی

تفسیر شده است.^۳

« وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ -

و مؤمنین کسانی هستند که از لغو اعراض می‌کنند. » (مؤمنون/ ۳)

۱. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶۵۷.

۲. ترجمه‌ی میزان ج ۱۶ ص ۳۱۳.

۳. مجمع البیان ج ۷ ص ۱۵۸.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «مردمی طبل کوفتن و استعمال آلات موسیقی را کاری پسندیده بشمارند و این مردمند که در ملکوت آسمان‌ها رجس‌ها و نجس‌ها نامیده می‌شوند.»^۱

و نیز فرموده‌اند: «شما را از رقص و مزماری^۲ و کوبه (طبل کوچک) و کبیر (طبل یک‌رو) نهی می‌کنم.»^۳ و فرموده‌اند: «نوازنده‌ی طنبور در روز قیامت محشور می‌شود در حالی که چهره‌اش سیاه است و طنبوری از آتش به دست دارد و هفتاد هزار فرشته از بالای سرش با عمود آهنین بر سر و صورتش می‌زنند و آوازخوان کور و کر و گنگ از قبرش محشور می‌شود. و زناکار و نوازنده‌ی نای و نوازنده‌ی دایره نیز به این شکل محشور می‌شوند.»^۴

آن سرور دو عالم همچنین در علائم آخرالزمان فرموده‌اند: «و آشکار گردند طبل و کنیزان آوازه‌خوان و آلات موسیقی و میل به طنبور زنان و دایره‌زنان و نای‌نوازان و سایر آلات لهو. آگاه باش؛ هر کس احدی از آن‌ها را به چیزی از دینار و درهم و البسه و اطعمه و غیر این‌ها یاری رساند، مانند آن است که در دل کعبه هفتاد بار با مادرش زنا کند.»^۵ و فرموده‌اند: «آن‌گاه که امت من مبتلا به پانزده خصلت شوند بلا بر آنان نازل می‌شود... و آن‌گاه که کنیزان آوازه‌خوان و آلات موسیقی را به کار گیرند.»^۶

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرموده‌اند: «شش گروهند که سزاوار نیست به آن‌ها سلام شود: یهودیان و مسیحیان، اهل نرد و شطرنج، اهل شراب، اهل بربط^۷ و طنبور و کسانی که فحش به مادران را وسیله‌ی شوخی قرار می‌دهند و شاعران باطل‌سرا.»^۸ امام زین‌العابدین علیه‌السلام فرموده‌اند:

«خداوند پاک نمی‌گرداند امتی را که در بین آن‌ها بربط نواخته شود.»^۹

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «شیطانی است که به او قَفَنَدَر می‌گویند. هنگامی که کسی در خانه‌اش چهل روز بربط بنوازد و اشخاص دیگری آن‌جا حضور یابند، آن شیطان هر عضو خویش را بر روی همان عضو از صاحب خانه قرار داده و سپس در او می‌دمد چنان‌که دیگر غیرت به خرج نمی‌دهد. حتی اگر به زنانش تجاوز کنند.»^{۱۰}

و فرموده‌اند: «تار زدن نفاق را در دل می‌رویاند، همچنان‌که آب، گیاه را می‌رویاند.»^{۱۱}

۱. بحار الأنوار ج ۶ ص ۳۰۸. ۲. شبیه سرنا و بیشتر میان عرب‌ها متداول است. ۳. وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۳۱۴.

۴. بحار ج ۷۶ ص ۲۵۴. ۵. مستدرک ج ۱۱ ص ۳۷۳. ۶. وسائل ج ۱۷ ص ۳۱۱. ۷. شبیه تار.

۸. وسائل ج ۱۲ ص ۷۹. ۹. الکافی ج ۶ ص ۴۳۴. ۱۰. الکافی ج ۵ ص ۵۳۶. ۱۱. وسائل ج ۱۷ ص ۳۱۳.

ب) شنیدن موسیقی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده‌اند: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَيَّ اللَّهْوِ يُدَابُّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ - کسی که به موسیقی گوش دهد، (روز قیامت) در گوشش سرب مذاب ریخته می‌شود.»^۱

و در سفارش و وصیتشان به امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «ای علی؛ سه چیز موجب قساوت قلب می‌گردد. گوش دادن به موسیقی و شکار و رفتن به بارگاه سلطان.»^۲

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «اسْتِمَاعُ الْأَوْتَارِ مِنَ الْكِبَائِرِ - شنیدن صدای تارها از گناهان کبیره است.»^۳

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد؛ من کنیفی دارم و وارد آن کنیف (مستراح) می‌شوم تا رفع حاجت کنم. در همسایگی ما اشخاصی هستند که کنیزان آوازه‌خوان دارند. آواز می‌خوانند و موسیقی می‌نوازند. و چه بسا می‌شود من نشستن در آن جا را طول می‌دهم تا صدای آن‌ها را بشنوم. این عمل چه طور است؟

فرمود: این کار را مکن. عرض کرد: به خدا قسم من هرگز به سراغ آن‌ها نرفته‌ام و نمی‌روم. بلکه صدایی است که از ایشان می‌شنوم.

فرمود: مگر کلام خدای را نشنیدی که می‌فرماید: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا - حتماً گوش و چشم و قلب، تمامشان (روز قیامت) مورد سؤال قرار می‌گیرند.» (اسراء/۳۶)

عرض کرد: نه به خدا سوگند، مثل این که تاکنون این آیه را از کتاب خدا نشنیده بودم نه از عجم و نه از عرب. دیگر چنین عملی را تکرار نمی‌کنم ان شاء الله و نسبت به گذشته هم استغفار می‌کنم.

فرمود: برخیز و غسل کن و آن چه می‌توانی نماز بخوان. چون تاکنون در کار بزرگی مشغول بوده‌ای و چه قدر حال بدی داشتی اگر بر این حال می‌مردی. شکر می‌کنم خدا را که متوجه شدی و از او درخواست می‌کنم که از هر بدی که از تو دیده صرف نظر کند. آری خدای تعالی کراهت ندارد مگر از هر کار زشت تو. کارهای زشت را بگذار برای اهلش. چون هر چیزی در عالم اهلی دارد.»^۴

همچنین امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «گوش دادن به موسیقی و آواز نفاق را می‌رویانند همان گونه که آب گیاه را می‌رویانند.»^۵

۱. مستدرک ج ۱۳ ص ۲۲۲. ۲. وسائل ج ۱۷ ص ۳۱۴. ۳. مستدرک ج ۱۳ ص ۲۲۰. ۴. مستدرک ج ۲ ص ۵۱۳. ۵. اسْتِمَاعُ الْغِنَاءِ وَاللَّهْوِ يُنْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الزَّرْعَ - الکافی (ط - الإسلامیة) ج ۶ ص ۴۳۱

و نیز در وصایای لقمان به فرزندش چنین آمده است: «لَا تَسْمَعِ الْمَلَاهِيَّ فَإِنَّهَا تُنْسِيكَ الْآحِرَةَ - به موسیقی گوش نده. چرا که آخرت را از یاد تو می برد.»^۱

ج) خرید و فروش

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند: «آلات موسیقی خریدنش و فروختنش و بهایش و تجارت به آن حرام است.»^۲

د) نگهداری

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند: «ملائکه داخل خانه ای نمی شوند که در آن شراب یا دایره یا طنبور یا نرد باشد و دعای آن ها مستجاب نمی شود و برکت از آن خانه می رود.»^۳
امام صادق علیه السلام فرموده اند: «و کسی که چهل روز در خانه اش طنبور بماند، غضب خداوند را برای خود خریده است.»^۴

موسیقی در بیان علما

اگرچه وقتی از بزرگان و علما درباره حکم غنا و موسیقی سؤالی شده، پاسخ داده اند؛ ولی دقت در بیانات انتخاب شده نشان می دهد که این بزرگواران نیز به موسیقی نگاهی فراتر از حرام یا غیرحرام بودن آن داشته اند.

موسیقی در کلام امام خمینی رحمت الله علیه

و از جمله چیزهایی که باز مغزهای جوان ها را مخدّر است و تخدیر می کند موسیقی است. موسیقی اسباب این می شود که مغز انسان وقتی چند وقت به موسیقی گوش کرد، تبدیل می شود به یک مغزی غیر آن [مغز] کسی که جدّی باشد. از جدّیت، انسان را بیرون می کند، و متوجه می کند به جهاتی دیگر...^۱

نباید دستگاه تلویزیون جوری باشد که ده ساعت موسیقی بخواند. جوان هایی که نیرومند هستند، از نیرومندی آن ها را برگردانند به یک حال خمار و خلسه. مثل همان تریاک. موسیقی با تریاک فرق ندارد.^۲

یک مغزی که دنبال این رفت که موسیقی گوش کند، این مغز مریض می شود. این نمی تواند فکر بکند که کشورش به چه حالی دارد می گذرد. دیگر دنبال این نیست. مثل آدم هروئینی می ماند.^۳

این موسیقی ها همه مخدّر هستند، یعنی جوانی که عادت به موسیقی کرد، دیگر نمی تواند قاطع باشد.^۴

موسیقی در بیان مقام عظمای ولایت حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای

شاخص حرمت و حلیت

موسیقی اگر انسان را به بیکارگی، ابتذال، بی‌حالی و واخوردگی از واقعیت‌های زندگی و امثال این‌ها بکشاند، این موسیقی موسیقی حلال نیست. موسیقی حرام است. موسیقی اگر چنان‌چه انسان را از معنویت، از خدا و ذکر غافل کند، این موسیقی حرام است. موسیقی اگر انسان را به گناه و شهوترانی تشویق کند، این موسیقی حرام است. از نظر اسلام این است. موسیقی اگر این خصوصیات مضر و موجب حرمت را نداشته باشد، البته آن وقت حرام نیست.

...این‌هایی را که من گفتم، بعضی از آن‌ها در موسیقی بی‌کلام و در سازهاست، بعضی هم در کلمات است. یعنی ممکن است فرضاً یک موسیقی ساده‌ای بی‌ضرر را اجرا کنند لیکن شعری که در آن موسیقی خوانده می‌شود، شعر گمراه کننده‌ای باشد. شعر تشویق کننده‌ی بی‌بند و باری، به ولنگاری، به شهوترانی، به غفلت و این‌طور چیزها باشد. آن وقت حرام می‌شود.

...بنابراین آن چیزی که شاخص حرمت و حلیت در موسیقی است و نظر شریف امام رحمت‌الله‌علیه در اواخر حیات مبارکشان که آن نظریه را در باب موسیقی دادند به همین مطلب بود، این است: موسیقی لهوی؛ لهو یعنی غفلت؛ یعنی دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت، دور شدن از واقعیت‌های زندگی، دور شدن از کار و تلاش و فرو غلطیدن در ابتذال و بی‌بند و باری، این موسیقی می‌شود حرام.

در نوردیدن مرزها دلیل خوب بودن نیست

...اگر این با کیفیت اجرا حاصل بشود، اگر با کلام حاصل بشود، فرقی نمی‌کند. شما می‌گویید زبان بین‌المللی. آن موسیقی که به قول خود شما مرزها را درنوردیده و در جاهایی پخش شده، آیا این لزوماً موسیقی خوبی است؟ صرف این که یک موسیقی از مرز فلان کشور خارج شد و توانست به مثلاً کشورهای مختلف برود و یک عده طرفدار پیدا کند، مگر دلیل خوب بودن موسیقی است؟ نه، به هیچ وجه. ممکن است یک موسیقی باشد که به شهوترانی و تحرکات، نشاط‌های شهوی جوانی را تحریک می‌کند. طبیعی است که یک مشت جوانی که غفلت‌زده هستند از این موسیقی خوششان می‌آید. هر جایی که در دنیا دستشان به این نوار بیفتد، از آن نوار استفاده می‌کنند. این دلیل خوب بودن موسیقی نیست.

موسیقی سنتی

...من نمی‌توانم به‌طور مطلق بگویم که موسیقی اصیل ایرانی حلال است. نه! این‌طور نیست. بعضی خیال می‌کنند که مرز موسیقی حلال و حرام، موسیقی سنتی است. نه این‌طوری نیست. آن موسیقی که منادیان دین و شرع همیشه در دوره‌های گذشته با آن مقابله می‌کردند و می‌گفتند حرام است، همان موسیقی سنتی ایرانی خودمان است که به شکل حرامی در دربارهای سلاطین، در نزد افرادی بی‌بند و بار، در نزد افرادی که به شهوات تمایل داشتند و خوض در شهوات می‌کردند، اجرا می‌شده. این همان موسیقی حرام است.

به ممیزی‌ها اطمینان ندارم

...بنابر این مرز موسیقی حلال و حرام عبارت از ایرانی بودن، سنتی بودن، قدیمی بودن، کلاسیک بودن، غربی بودن یا شرقی بودن نیست. مرز، آن چیزی است که من عرض کردم. این ملاک را می‌شود به‌دست شما بدهیم. اما این که آیا این نوار جزو کدام‌هاست، این را من نمی‌توانم مشخص کنم. البته الان دستگاه‌هایی هستند که دارند ممیزی می‌کنند. اما من هم خیلی اطمینان ندارم که این ممیزها صددرصد درست باشد.

موسیقی از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری رحمت‌الله‌علیه

واقعاً موسیقی قدرت عظیم و فوق‌العاده‌ای مخصوصاً از جهت پاره کردن پرده‌ی تقوا و عفت دارد!^۱

موسیقی از دیدگاه استاد محمد تقی جعفری رحمت‌الله‌علیه

شبح مصنوعی

اگر دلیل شایستگی موسیقی همان احساس لذت بوده باشد، به هیچ منطقی تکیه نمی‌کند. درست است که تحریک مثبت و تشجیعی^۲ را که موسیقی انجام می‌دهد ما را از موجودیت حقیقی خود، با یک گروه نوسانات بالاتر می‌برد ولی هنگامی که موسیقی تمام می‌شود، یک سرازیری حقیقی در خود احساس می‌کنیم و می‌بینیم که موسیقی سایه‌ای از ما برای ما ساخته و آن را بالا برده بود. اکنون شبح مصنوعی از بین رفته، واقعیات با همان خشونت برای ما نمودار می‌شود...

۱. از کتاب تعلیم و تربیت.

۲. جرأت دادن. مثل جرأت دادن به سربازان در جنگ با نواختن موسیقی.

تصفیه روح انسانی!!!!؟؟؟

...علتی که در منابع اسلامی برای ممنوعیت موسیقی ذکر شده است، مسأله‌ی لهو و لعب است. با نظر به این علت، کاملاً روشن می‌شود که اسلام می‌خواهد که انسان در این دنیا خود را در مقابل هیجان‌ها، پا در هوا نبازد و آمادگی واقعی خود را از دست ندهد...

اگر موسیقی آن‌چنان که عاشقان دلباخته‌اش می‌گویند حقیقتاً روح انسانی را تصفیه می‌کند، چرا با شیوع موسیقی در شرق و غرب، دوران بیماری‌های روانی و فساد اخلاقی به حدی است که گفتگو درباره‌ی آن باعث شرمساری است؟ ما نمی‌دانیم که اگر انسان‌ها به این اندازه به موسیقی اشتغال نمی‌ورزیدند و با خود واقعیات روبرو می‌گشتند، چه اندازه راه ترقی و اعتلا را می‌پیمودند...

شبحی از آرزوها

...ما نمی‌خواهیم لذت‌های احساس را محکوم کنیم. ما می‌خواهیم انسان‌ها اسیر احساساتی نگردند که "اندیشه در واقعیات" را از آن‌ها بگیرد و انفعالی در آن‌ها ایجاد کند که شخصیت آن‌ها را تنها منفعل (پذیرا) نه خلاق، تربیت کند.

...و نیز مطلب نهایی ما در موسیقی این است که این زندگانی محدود را که می‌تواند با عالی‌ترین فعالیت‌های مادی و روحی اشباع شود، نایستی در لهو که شبحی است از آرزوهای شکست خورده یا حماسه و تحریکات هوایی در عین حال لذت‌بخش سپری کرد...

احتمال ضرر روانی

...محققان و دانشمندان پرکار و متتبع درباره‌ی پدیده‌ی موسیقی به حدّ لازم و کافی به مطالعه و بررسی پرداخته‌اند و در نتیجه به دلایل و شواهد قانع‌کننده‌ای دست نیافتند که ضرورت و یا شایستگی موسیقی را بدون ضرر روانی اثبات کنند. پس نتیجه‌ی منطقی که ما با آن روبرو هستیم، عبارت است از احساس لذت از پدیده‌ای به نام موسیقی با احتمال ضرر روانی و ضرر نافرمانی در مقابل تعهد تکلیف الهی که در دنبال خواهد داشت.

... موضوع این احتمال از نظر هویت انسانی فوق‌العاده با اهمیت است. مسأله‌ی روان و تعهد الهی در کار است و این احتمال ضرری است که از انحراف روان که بزرگ‌ترین حقیقت عالم هستی و نمونه‌ای از شعاع خورشید الهی است، ناشی می‌شود و عقل و وجدان از چنین ضرری ما را بر حذر می‌دارد و عذابی که در دنبال منحرف ساختن روان تصور می‌شود، عذابی است که از خیانت به امانت الهی ناشی می‌شود. لذا مکتبی که ممنوعیت موسیقی را گوشزد می‌کند، در حقیقت بزرگ‌ترین حمایت را از درون آدمیان به عهده گرفته است....

قدم روی نوار باریک

... در مواردی که ادای موسیقی را در می‌آوریم یا به برخی از موسیقی‌ها که گمان می‌کنیم جزء موسیقی‌های ممنوع نیست، گوش فرا می‌دهیم، اگر هم فرض کنیم این‌گونه امور ممنوع نباشد، حداقل قدم روی نوار باریکی گذاشته‌ایم که یک طرف آن قطعاً قلمرو ممنوعیت و حرمت می‌باشد و چون نفس آدمی لذت‌طلب است، لذا تدریجاً قانون را پایمال می‌سازد.^۱

بررسی علمی

تولید جنون و فشار خون

توجه دقیق به بیوگرافی مشاهیر موسیقی‌دانان نشان می‌دهد که در دوران عمر به تدریج دچار ناراحتی‌های روحی گردیده‌اند. تا آنجا که رفته رفته اعصاب خود را از دست داده و عده‌ای مبتلا به بیماری‌های روانی شده و گروهی مشاعر خود را از کف داده و به دیار جنون رهسپار شده‌اند. دسته‌ای فلج و ناتوان گردیده بعضی هنگام نواختن موسیقی درجه‌ی فشار خونشان بالا رفته و دچار سکتی ناگهانی شده‌اند... کوتاه سخن این‌که آثار زیان‌بخش غنا و موسیقی بر اعصاب تا سر حد تولید جنون و بر قلب و فشار خون و تحریکات نامطلوب دیگر به حدی است که نیاز به بحث زیادی ندارد... از آمارهایی که از مرگ و میرها در عصر ما تهیه شده چنین استفاده می‌شود که مرگ‌های ناگهانی نسبت به گذشته افزایش زیادی یافته است. عوامل این افزایش را امور مختلفی ذکر کرده‌اند از جمله افزایش غنا و موسیقی در سطح جهان.^۲

اختلال اصول حساس زندگی

از جمله علل تحرکات خارجی که عدم تعادل بین اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک ایجاد می‌کند، ارتعاشات موسیقی است. موسیقی وقتی که با آهنگ‌های نشاط‌انگیز یا نواهای حزن‌آمیز و مخصوصاً اگر با ارتعاشات عجیب و غریب موسیقی (سمفونیک) همراه گردد، به طور مسلم تعادل لازمی را که بایستی بین دو دسته عصب سمپاتیک و پاراسمپاتیک وجود داشته باشد، بر هم زده و در نتیجه اصول حساس زندگی را اعم از هضم و جذب و دفع و ترشحات و ضربان قلب و وضع فشار مایعات بدن از جمله خون و غیره را مختل ساخته و رفته رفته شخص را به گرفتاری‌ها و امراضی نزدیک می‌سازد که طب جدید با تمام پیشرفت‌های حیرت‌انگیز خود در اغلب موارد از معالجه‌ی آن عاجز می‌ماند.

۲. تفسیر نمونه ج ۱۷ ص ۲۷.

۱. تفسیر نهج البلاغه ج ۲۰ ص ۱۴۴.

افزایش دیوانگان

...امراض مختلف روانی، اغتشاشات فکری، عدم تعادل روحی، انواع و اقسام دیوانگی‌ها، وفور سگته‌های قلبی و مغزی که در تمام دنیا روز به روز رو به فزونی است و فکر پزشکان بزرگ را به خود جلب نموده است، صدی نود و پنج آن‌ها نتیجه‌ی آثار همین تمدن شوم جدید است که قسمت حساس آن تعمیم موسیقی به وسیله‌ی رادیوها و ازدیاد مجالس ساز و آواز و کنسرت می‌باشد. در اثر ایجاد سر و صداها، کنسرت‌ها، موسیقی‌های گوناگون و فیلم‌ها و کاباره‌ها و دانسینگ‌ها است که آمار دیوانگان و بیماران روانی در تمام کشورها رو به ازدیاد رفته و هر روز بر شماری تیمارستان‌های کشورهای بزرگ جهان مخصوصاً اروپا و امریکا افزوده می‌شود.^۱

شوم‌ترین آثار

دکتر "ولف آدلر" پروفیسور دانشگاه کلمبیا گفته است: «بهترین و دلکش‌ترین نواهای موسیقی، شوم‌ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می‌گذارد.»

کنسرت قدغن؟!

...و دکتر آدلر رساله‌ی مفصلی در بیان زیان‌های موسیقی منتشر نموده و در امریکا هزاران تن از مردم پیرو او شده و موسیقی را بر خود حرام نموده و لایحه‌ی مفصلی تهیه کرده به مجلس سنای امریکا تقدیم داشتند که برای نجات جامعه و جلوگیری از ضعف اعصاب که یکی از بدبختی‌های دنیای متمدن امروزی است، لازم است هرگونه کنسرت عمومی قدغن شود.

ضرر به جنین

دکتر "رپرت" متخصص روانشناسی کودک در انگلیس گفته است: «اطفال در رحم مادر، تحت تأثیر موسیقی قرار می‌گیرند و اگر مادر حامله به موسیقی گوش دهد، ضربان قلب طفل در رحم زیاد می‌شود. این حالت از شش ماهگی به بعد است.»

عامل خستگی روحی

دکتر "آرنولد فریدمانی" پزشک بیمارستان نیویورک و رئیس کلینیک سردرد با کمک دستگاه‌های الکترونی تعیین امواج مغز و تجربیاتی که طی مراجعه‌ی هزاران بیمار به دست آورده، ثابت کرده است یکی از عوامل مهم خستگی‌های روحی و فکری و سردردهای عصبی، گوش دادن به موسیقی است. مخصوصاً برای کسانی که به موسیقی به دقت گوش می‌کنند.

۱. رساله‌ی تأثیر موسیقی بر اعصاب ص ۳ و ۶.

توجه توجه !!

دانشمندان دین‌شناس همچون امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و آیت‌الله‌العظمی‌ خامنه‌ای آدم‌الله‌ ظلّه در فتاوی‌ فقهی خود فقط نواختن موسیقی مطرب و گوش دادن به آن را حرام دانسته‌اند. در این باره چند نکته شایان ذکر است:

خداوند تنها کارهایی را حرام نموده است که بیشترین مفسده را برای انسان دارد و این دلیل نمی‌شود که هر کار غیر حرامی بدون مفسده و ضرر باشد. نواختن و شنیدن هر نوع موسیقی، مخرب و مضر و دارای فساد است. گرچه مطرب آن بیشترین مفسده را برای انسان دارد. و به همین دلیل فقط مطرب آن حرام شده است.

قطعاً آلات موسیقی در انواع مختلف آن در صدر اسلام توسط افراد لایبالی و اهل گناه به‌کار گرفته می‌شده است و در این رابطه افراد بسیاری قانون الهی را از شخص رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام جویا می‌شدند. در تمامی بیانات این بزرگواران و پیشوایان بزرگ، حتی یک‌بار هم مدح نوعی از موسیقی یا استماع نوعی از آن به چشم نمی‌خورد.

فقه‌ها و مرزبانان اعمال و رفتار مسلمانان از صدر اسلام تاکنون نیز هیچ یک نفرموده‌اند که نواختن موسیقی و استماع آن لاقلاً در برخی موارد کار خوبی است و هیچ‌گاه کسی را به این عمل تشویق نکرده‌اند. در مقابل در کلمات آن‌ها ذم یا عدم فایده‌ی این عمل به‌وفور به‌چشم می‌خورد. رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی‌ خامنه‌ای آدم‌الله‌ ظلّه فرموده‌اند:

«آموزش موسیقی و ترویج آن برای جوانان، با اهداف نظام، سازگار نیست بلکه منافات دارد.»
و نیز فرموده‌اند:

«آموزش موسیقی و نوازندگی به نونهالان و نوجوانان، موجب انحراف آنان و ترتب مفسد است و جایز نیست. به‌طور کلی ترویج موسیقی با اهداف عالی‌ه‌ی نظام اسلامی منافات دارد. مسئولین فرهنگی مجاز نیستند سلیقه‌ی شخصی خود را به اسم نشر فرهنگ و معارف در آموزش و پرورش نوجوانان به‌کار بگیرند.»

این واقعیت غیرقابل انکار است که عامل مهم گرایش به موسیقی، لذت بردن از استماع آن است حتی اگر موسیقی غم‌انگیز باشد. این نوع لذت‌بری در اسلام مذموم (اعمّ از حرام و غیرحرام) بوده و آثار ناگواری برای آن بیان گردیده است.

امام خمینی (ره) درباره‌ی لذات مذموم فرموده‌اند:

«از هر یک از لذات این عالم در نفس اثری و در قلب لکه سودایی حاصل شود که باعث شدت انس و علاقه به این عالم شود و این خود اسباب اخلاص در ارض^۱ گردد و در حین سکرات موت به ذلت و سختی و زحمت و فشار مبدل گردد. چه که عمده‌ی سختی سکرات موت و نزع روح (جان‌کندن) و شدت آن در اثر همین لذات و علاقه به دنیا است.»^۲

۲. اربعین حدیث ص ۲۰۶.

۱. تعبیری قرآنی به معنای این‌که وجهی قلب تماماً دنیا شود.